

## تأملی درباره تحصن در سفارت انگلیس (۱۳۲۴ قمری)

### آرینا لقایی

بعد از مهاجرت روحانیون از تهران، گروهی از تجار در سفارت انگلیس متحصن شدند. این واقعه به رغم هر نوع تفسیر مثبت یا منفی تأثیری تعیین‌کننده در روند حرکت نهضت مشروطه داشت. با این همه، ابهامات بسیاری در مورد آن وجود دارد که شایسته امعان نظر بیشتر و تحقیقی جامع‌تر است. در این مقاله حتی‌المقدور تلاش شده تا برخی ابهامات با طرح این سوال روشن شود که آیا تجار خودانگیخته، ناگهان و ناگزیر، به سفارت انگلیس پناه بردند یا زمینه تحصن آنها از مدتها قبل فراهم شده بود. محققان به این سؤال به صورت کلی دو پاسخ متفاوت داده‌اند. گروهی معتقدند که تجار از بیم جان و مال و ستم عین‌الدوله ناگزیر به سفارت انگلیس پناه بردند ولی گروهی دیگر اعتقاد دارند که، از قبل، مقدمات تحصن تجار در سفارت انگلیس فراهم شده بود و آنها منتظر بهانه‌ای برای بست‌نشینی در سفارت بودند. تشخیص صحت و سقم این دو نظر تنها با مراجعه و بررسی منابع مشروطه ممکن می‌شود.

کتاب تاریخ بیداری ایرانیان نوشته ناظم‌الاسلام کرمانی نسبت به سایر منابع مشروطه شرح کامل‌تری درباره تحصن ارائه می‌دهد. وی سعی دارد ثابت کند که تجار تحت فشار عین‌الدوله ناگزیر به سفارت انگلیس پناهنده شدند، اما برخی تناقضها در نوشتارش اثبات این مدعا را با مشکل مواجه ساخته است. ناظم‌الاسلام چند نمونه از ستمهای عین‌الدوله را شرح می‌دهد که مهم‌ترین آن مربوط به دستگیری همسر حاج حسن بنکدار است. در این خصوص می‌نویسد که: شب قبل از مهاجرت علما، چند فرارش و غلام کشیکخانه به منزل حاج حسن مراجعه کردند و همسر وی را به زور با خود به خانه عین‌الدوله بردند به این عنوان که «شاهزاده عین‌الدوله تعریف و توصیف حسن تو را شنیده و تعلق خاطری به تو به هم رسانیده».<sup>۱</sup> پس از این واقعه، در صبح ۲۳

۱. محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ

جمادی‌الاول، همزمان با مهاجرت علما از تهران، در منزل آقامحمد، دلال بانک روس، مجلس جشنی برپا بود و گروهی از تجار و صرافان مهمان وی بودند. «در این اثنا حاج محمدتقی و حاج حسن برادرش وارد شدند و مذکور داشتند خیالات عین‌الدوله را درباره خودشان و دیگران»، تجار هم آنها را مخفی کردند و کسی را به این بابویه نزد سیدعبدالله بهبهانی برای کسب تکلیف فرستادند. او «از طرف آقای بهبهانی پیغام آورد که من استخاره کرده‌ام که پناه ببرید به سفارتخانه انگلیس، خوب آمده است، البته بروید در سفارتخانه انگلیس و در آنجا متحصن باشید تا امنیت برایتان بگیرند»<sup>۲</sup> با نقل این روایت، ناظم‌الاسلام می‌خواهد ثابت کند که تجار تحت فشار عین‌الدوله و با تکیه بر استخاره سیدعبدالله بهبهانی تصمیم گرفتند در سفارت انگلیس متحصن شوند. روایت فوق را نمی‌توان چندان موثق شمرد زیرا حتی خود نویسنده هم با تردید به آن می‌نگرد. وی درباره رفتار ناشایست عین‌الدوله می‌نویسد: «نگارنده ندانست مقصود عین‌الدوله از بردن این زن چه بود و چه انتقامی را در نظر داشت ... مجملأً زن را در عوض شوهر گرفتند و بردند و چند روز بعد از این واقعه حاج حسن آن زن را طلاق داده و صداقش را به تمامه داده ... اقرار حاج حسن در حضور آقای طباطبایی به اینکه او را طلاق داده‌ام و دیگر پهلوی او نرفتم، دلیل است بر این که زن دائمی او بوده و اگر این اقرار نبود، نگارنده این واقعه را تکذیب می‌نمود؛ چه، از شاهزاده عین‌الدوله این‌طور شنایع و فصایح دیده نشده و احدی ندید این شاهزاده به ناموس کسی دست‌اندازی نماید. خلاصه این شایعه مردم را بی‌اندازه خائف نمود»<sup>۳</sup> ناظم‌الاسلام تنها با تکیه بر اقرار حاج حسن به طلاق همسرش این شایعه را تأیید و ثبت کرده ولی در سایر منابع مشروطه هم اصلاً ذکری از دستگیری همسر حاج حسن نشده است، فقط سیداحمد تفرشی حسینی درباره ستم عین‌الدوله نسبت به این دو برادر تاجر می‌نویسد:

باری بعد از خروج آقایان ... عرصه بر حال کسبه و طلبه و واعظ و روضه‌خوان تنگ شده و از آن طرف هم دیوانیان بنای بی‌اعتدالی با رعایا و مؤاخذه فلان فلان را از کسبه نموده و همه روزه درصدد اذیت و آزار آنها برآمده من جمله حاج محمدتقی و حاج حسن دلال که هر دو برادرند و در ظاهر ... ولی در باطن مقروض و پریشان هستند مؤاخذه نمودند که چرا مدت توقف آقایان به حضرت عبدالعظیم شما همراهی نمودید و کفیل کل مخارج آنها در آن مدت شدید.<sup>۴</sup>

→ ایران؛ آگاه‌لوح، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۵۰۹. ۲. همان، ص ۵۱۰ و ۵۰۹.

۳. همان، ص ۵۰۹.

۴. احمد تفرشی حسینی. روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، به کوشش ایرج افشار، (تهران)، امیرکبیر،

پذیرش این مطلب که چنین کاری از عین‌الدوله سرزند و منابع مشروطه به جز تاریخ بیداری ایرانیان، هیچ اشاره‌ای به آن نکنند، بعید است زیرا در اوضاعی که مشروطه‌خواهان از هر واقعه کوچکی برای تحت فشار قرار دادن دولت و گرفتن امتیاز استفاده می‌کردند چنین عملی از جانب عین‌الدوله، صدراعظم مغضوب مشروطه‌خواهان، مستمسک مناسبی برای تحریک احساسات مردم بر ضد وی و توجیهی مقبول برای بست‌نشینی بود. چطور ممکن است عین‌الدوله که به تأیید ناظم‌الاسلام هرگز مرتکب چنین شناعی نشده ناگهان در اوضاعی چنین بحرانی دست به این کار بزند و تمام منابع مشروطه هم آن را نادیده بگیرند و ساده از کنار آن بگذرند؟ باید توجه داشت که ناظم‌الاسلام هم از آن به عنوان «شایعه» نام می‌برد و به چنین امری که مغایر سلوک عین‌الدوله است با تردید نگاه می‌کند.

مطلب دیگر در روایت ناظم‌الاسلام این است که تجار پس از فشارهای عین‌الدوله درصدد کسب اجازه از بهیانی برآمدند و با اجازه او در سفارت تحصن کردند؛ اما این بخش نیز قابل نقد است زیرا براساس نوشته‌های ناظم‌الاسلام و سایر منابع مشروطه پیش از مهاجرت علما، درباره تحصن در سفارت انگلیس گفت و گوهایی صورت گرفته بود. ناظم‌الاسلام می‌نویسد که در روز ۲۳ جمادی‌الاول (همان روز مهاجرت) سید عبدالله بهیانی دو نامه به سفارت انگلیس نوشت که مضمون نامه دوم او بدین قرار است: «ما علما و مجتهدین چون راضی نیستیم خونریزی بشود لهذا حرکت به اماکن مقدسه را عازم گشتیم و از آن جناب تمنا داریم که در دفع ظلم و تعدی همراهی خود را از ما دریغ ندارد»<sup>۵</sup> و گرانت داف شارژدافر سفارت انگلیس «هم جواب داد که نسبت به بازماندگان و آنان که التجاه آورند همراهی خواهد شد»<sup>۶</sup> و سید عبدالله با تکیه بر همین قول «در این بابویه به بعضی از تجار فرمود که اجزاء سفارتخانه به من وعده همراهی داده‌اند. هرگاه پس از من متعرض شما شدند به آنها متوسل شده و به آن مکان متحصن و ملتجی شوید. اگرچه وزیرمختار در طهران نیست ولیکن شارژدافر و سایر اجزاء سفارتخانه از شما همراهی خواهند نمود»<sup>۷</sup> کتاب آبی هم نامه سید عبدالله بهیانی را نقل کرده<sup>۸</sup> ولی پاسخ گرانت‌داف به این نامه را نوشته است.<sup>۹</sup> روایت فوق حداقل بیانگر آن است که پیش از مهاجرت علما و قبل از آنکه هرگونه عمل ایذائی از سوی عین‌الدوله

→ ۱۳۵۱، ص ۲۶. ۵. محمدناظم‌الاسلام کرمانی، ص ۵۰۲.

۶. همان. ۷. همان.

۸. انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (کتابهای آبی). به اهتمام رحیم رضازاده ملک. تهران، مازیار، معین. ۱۳۷۷، ص ۲۱.

۹. و حتی در جهت وارونه نشان دادن مطلب مدعی شده که شارژدافر با تحصن تجار مخالفت کرد.

نسبت به تجار صورت گیرد اقدامات و مذاکراتی برای تحصن تجار در سفارت انگلیس صورت گرفته است. قبل از نامه سیدعبدالله هم شواهدی دال بر احتمال تحصن در سفارت انگلیس وجود دارد. ایولین گرانت داف در بخشی از گزارش مورخ ۲۱ ژوئن ۲۸/۱۹۰۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ (تقریباً یک ماه قبل از تحصن تجار) می‌نویسد: «اگر روزی بشنوم که علما به‌طور دسته‌جمعی در ساختمان سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی در شهر بست نشسته‌اند تعجب نخواهم کرد».<sup>۱۰</sup> البته تعمیم تمایل به بست‌نشینی در سفارت به تمام علما، با توجه به مخالفت تعداد زیادی از آنان با پناهنده شدن به سفارت بیگانگان صحیح به نظر نمی‌رسد اما بر اساس سند فوق سفارت و دولت انگلیس، حداقل به لحاظ ذهنی، آماده تحصن بوده و غافلگیر نشده‌اند بنابراین شاید بتوان تا حدودی گفته هاشم محیط مافی را پذیرفت که می‌گوید:

وقتی جمعیت به سفارتخانه می‌ریزند می‌بینند که سفارت انگلیس پیش‌بینی چنین روزی را چندین سال قبل نموده؛ فوراً چادرهای متعدد از انبار سفارت بیرون می‌ریزند او را در فضای باغ ایجاد می‌زنند. جمعیت واردین دسته دسته در چادرها قرار می‌گیرند. همچنین سایر وسایل پذیرایی چنین جمعیتی از هر حیث قبلاً ساخته و آماده بوده که به هیچ‌وجه این عده در مضیقه زندگانی نباشند.<sup>۱۱</sup> ۲

خاطرات و اسناد ظهیرالدوله هم منبع دیگری است که ثابت می‌کند رهبران مشروطه از مدتها قبل تصمیم داشتند در سفارت انگلیس تحصن کنند. علی‌خان ظهیرالدوله در خاطرات روز یکشنبه ۲۹ جمادی‌الاول می‌نویسد: «عصر وزیر همایون آمد می‌گفت، تلگراف رمزی داشتم از طهران که علما به سفارت انگلیس بست رفته‌اند. ای داد بیداد! وقتی تهران بودیم به توسط محرمی خبر رسید که آقا سیدمحمد و آقا سیدعبدالله می‌خواهند مردم را تحریک بکنند که بروند به سفارت انگلیس. با آنکه چندان آشنایی نداشتم به توسط همان محرم پیغام کردم که آقایان به کلی این تدبیر خبط و غلط است؛ مثل آن می‌ماند که شخص کلید خانه‌اش را با دست خودش به همسایه دزدش تقدیم کند. پیغام کرده بودند راست می‌گویی، نخواهیم کرد؛ آخر کردند».<sup>۱۲</sup> لازم به ذکر است که ظهیرالدوله بعد از انتصاب به حکومت همدان در ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ طهران را به

۱۰. انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت خارجه انگلیس (کتابهای آبی). ص ۶۱

۱۱. هاشم محیط مافی و تاریخ انقلاب ایران. به کوشش مجید تفرشی و جواد جان‌فدا. تهران، علمی، فردوسی. ۱۳۶۳. ج ۱، ص ۹۵.

۱۲. علی ظهیرالدوله. خاطرات و اسناد ظهیرالدوله. به کوشش ایرج افشار. تهران، کتابهای جیبی، فرانکلین، ۱۳۵۱. ص ۱۰۸.



تحصن در محوطه باغ سفارت | ۱۲۸۷-۱۱

قصد همدان ترک گفت، بنابراین پیغام او به سید عبدالله و سید محمد به قبل از تاریخ فوق برمی‌گردد که حدود یک ماه و چند روز پیش از تحصن تجار در سفارت انگلیس است. براون هم می‌نویسد: «در حدود یک ماه پیش [از تحصن در سفارت انگلیس] یعنی ژوئیه ۱۹۰۶م شهرتها می‌پیچید که عده‌ای در صدد بست نشستن در سفارتخانه شهری انگلیس بر آمده‌اند».<sup>۱۳</sup> همچنین همان روز تحصن علما در مسجد جامع وکیل‌الدوله در نامه‌ای به نریمان خان قوام‌السلطنه می‌نویسد که «در اینجا هم علماء از سفراء در باطن امر قول گرفته و اطمینان حاصل کرده‌اند که اگر نسبت به علما سخت بگیرند به سفارتخانه‌ها خواهند رفت».<sup>۱۴</sup>

مهدی ملکزاده هم صراحتاً اعلام می‌دارد که «به خلاف آنچه جمعی از مورخین نوشته‌اند مقدمات تحصن در سفارت انگلیس پیش از مهاجرت کردن نهضت از تهران تهیه شده بود و نقشه این کار را عده‌ای از تجار آزادیخواه و رؤسای اصناف و رهبران

۱۳. ادوارد براون. انقلاب ایران. ترجمه احمد پزوه (مبشر همایون)، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۸، ص ۱۲۲.

۱۴. ابراهیم صفائی، اسناد مشروطه، [بی‌جا، بی‌تا]، ۱۳۴۸، ص ۱۴.

مشروطیت کشیده بودند و از طرف رهبران نهضت با نمایندگان سفارت مذاکره شده بود.<sup>۱۵</sup> وی در ادامه درباره رابطه مشروطه‌خواهان و سفارت انگلیس می‌نویسد:

اردشیرجی، که یکی از زرتشتیان آزادیخواه و دانشمند و تبعه انگلیس بود، چنین نقل می‌کرد: من، صرف‌نظر از اینکه تحصیلات خود را در مملکت آزاد و دموکراسی انگلستان تمام کرده‌ام و تربیتم در آن دیار بوده و به مشروطیت ایمان داشتم، برای رهائی زرتشتیان ایران از جور دولت ستمگر استبدادی با دل و جان کوشش می‌کردم که رژیم مشروطه در ایران برقرار شود. در همان زمان با سفارت انگلیس چندین مرتبه برای پناه دادن ایرانیان آزادیخواه صحبت کردم و در روزهایی که مردم در مسجد جامع محصور بودند واسطه بین مقامات ملی و سفارت انگلیس شدم تا بالاخره سفارت پس از تحصیل اجازه از لندن موافقت کرد که، به شرط حفظ نظم و مقررات، کسانی را که از طرف دولت در مضیقه بودند و جانشان در خطر بود در سفارت بپذیرند.<sup>۱۶</sup>

آیا واقعاً جان افراد بعد از مهاجرت علما در خطر بود؟ پاسخ این سؤال را هم در منابع می‌جوئیم؛ ناظم‌الاسلام در ذیل حوادث ۲۳ جمادی‌الاول می‌نویسد:

بازارها بعضی بسته و بعضی مفتوح است. مردم، سرگردان و حیران بدون تکلیف؛ طلاب و تجار، در حال خوف و ترس؛ احدی جرئت نمی‌کند در کوچه و بازار راه برود... کوچه و بازار مملو بود از سرباز و توپچی که گویا مأمور بودند به کشتن اهل علم و سادات. اگر در کوچه و بازار یک نفر آخوند و سید دیده می‌شد طوری به او نگاه می‌کنند کانه قاتل پدر و برادر خود را می‌بینند.<sup>۱۷</sup>

اما باید در نظر داشت که بد نگاه کردن به سادات و روحانیون دلیل در خطر بودن جان آنها نیست؛ باید دلایلی متقن‌تر و مستندتر برای آن ارائه کرد از میان منابع مشروطه آن دسته که معتقدند جان و مال تجار و مردم بعد از مهاجرت علما در خطر بوده هیچ نمونه‌ای برای اثبات ادعایشان ذکر نکرده‌اند و تنها ناظم‌الاسلام کرمانی چند مورد را به عنوان نمونه‌های بارز اوضاع خطرناک تهران ذکر کرده است که مواردی بی‌پایه و اساس‌اند. اولین مورد آن، که تقریباً می‌توانست محکم‌ترین و مستدل‌ترین نمونه باشد، داستان همسر حاج حسن بنکدار است که قبلاً به آن اشاره و دلایل نفی آن نیز مطرح گردید. علاوه بر آن به دو مورد دیگر هم اشاره دارد که آنها نیز توضیح قانع‌کننده‌ای بر خطرناک بودن اوضاع تهران در برنندارند. دلایل ناظم‌الاسلام بدین قرار است که:

۱۵. مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، سقراط، ۱۳۲۹، ج ۲، ص ۱۶۸.

۱۶. همان.

۱۷. محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، ص ۵۰۰.

شخص بنائی در کوچه طهران گفته بود: با ادعای مسلمانی این‌گونه سلوک با سادات و ذریه فاطمه محل تعجب است! یا سادات و علما برای آسودگی مادر میان بیابان تشنه و گرسنه و برهنه و پای پیاده در زنج و تعب می‌باشند، ما باید ساکت باشیم؟ مجملاً این شخص بنا در شب پنجشنبه در حالتی که در پهلوی زنش خوابیده بود با گلوله تفنگ مقتول گردید؛ یعنی گلوله به رانش خورده بعد از دو روز مرحوم شد. حالا عمداً او را کشتند و یا اتفاقاً گلوله تفنگ به پایش خورد، خدا داناست؛ نه قاتل معلوم شد و نه قصد. این قدر معلوم است که بجز شبگرد و نظامی احدی در شب با حربه و سلاح نمی‌گردد. پس معلوم است که قاتل از دیوانیان بوده و آن بنا از دوستان و حامیان مهاجرین بوده است. و نیز در این روز یک نفر سید در خیابان شمس‌العماره به امر امیربهادر دستگیر و به طرف مجلس دولتی او را بردند، دیگر تقصیر او چه بود و با او چه کردند معلوم نشد.<sup>۱۸</sup>

آیا این موارد را می‌توان دلیل ناامنی شهر تهران دانست؟ آیا با استناد به چنین نمونه‌هایی می‌توان مدعی شد که جان و مال و ناموس تجار در خطر بوده و آنها چاره‌ای جز تحصن در سفارت انگلیس نداشته‌اند؟ در مورد داستان همسر حاج حسن بنکدار شایعه چنان دور از باور است که ناقل نیز نمی‌تواند تعجب و تردیدش را پنهان کند. دو مورد دیگر هم بی‌پایه‌تر از آن است که بتوان آنها را دلیل ناامنی شهری شمرد. وضعیت پایتخت به گونه‌ای دیگر نیز ترسیم شده است. ناظم‌الاسلام کرمانی در تضادی آشکار با روایت قبلی خود در ذیل حوادث روز ۲۴ جمادی‌الاول می‌نویسد:

بازار و دکاکین و سراها امروز باز است. احدی از کسبه در خیال همراهی از مهاجرین نیست؛ اگر هم کسی مهاجرت کند نه برای معاونت از آقایان، بلکه از ترس مال و جان خودشان می‌باشد و اگر فشار دیوانیان و حرکات شنیعه و اعمال قبیحه آنها نباشد احدی از کسبه و تجار با آقایان مهاجرت نمی‌کرد و عجالتاً یک حالت خوف و ترس مردم را فراگرفته است.<sup>۱۹</sup>

سایر نویسندگان نیز تقریباً این روایت ناظم‌الاسلام را تأیید کرده‌اند. یحیی دولت‌آبادی می‌نویسد: «بعد از مسافرت روحانیان از تهران عین‌الدوله و کارکنانش تصور می‌کنند کار اصلاح شد و راحت شدند همه از شهر به عمارت بیلاقی خود می‌روند و از اصناف التزام می‌گیرند دکاکین خود را نبندند و خیالشان به کلی راحت می‌شود.»<sup>۲۰</sup> به هر

۱۸. همان، ص ۵۰۷. ۱۹. همان، ص ۵۰۲.

۲۰. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، عطار و فردوسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۱.

حال برای تحصن در سفارت انگلیس و اجازه مداخله به آنها دادن باید توجیهی مناسب داشت، زیرا فضای فکری جامعه نسبت به سفارت انگلیس بدبین بود و تحصن در آن سفارتخانه بدون توجیه مناسب با مخالفت مواجه می‌شد؛ کم‌اینکه پس از تحصن هم مخالفت‌هایی با آن صورت گرفت. عین‌السلطنه نقل می‌کند که: «در زعفرانی جناب آقا سید ریحان‌الله که از اجله مجتهدین و سادات جلیل‌القدر مقدس با خدای طهران است تشریف داشتند... معلوم شد آقا از این ترتیبات علما و کسبه طهران رنجش پیدا کرده ... آقا مذمت از رفتن سفارت انگلیس تجار بسیار کردند که حقیقت بیشتر رنجش و فرار من از این حرکت تجار و کسبه طهران بود و هرچه نصیحت کردم ثمر نکرد. لاعلاج ترک آنها و وطن را کردم... تمام عرایض آنها صحیح، اما هرگز نمی‌بایست به سفارت بروند به جهت آنکه دست غیر به میان می‌آید و ما می‌دانیم حالت همسایگان ما امروز چه قسم است و اینها بعد از اینکه مسلط و مقتدر شدند چه به روز ماها خواهند آورد.»<sup>۲۱</sup>

ظهیرالدوله هم از کسانی است که نسبت به تحصن در سفارت معترض است. او در مذمت این عمل می‌نویسد: «تمام خاک طهران از شهر و خارج مضطرب و در هیجان است. سفارت انگلیس هم برای صرفه خودش از هر طرف انگشت می‌رساند و مردم را می‌کشد و این مردم الاغ هم نمی‌فهمند که سفارت انگلیس پدر مهربان آنها نیست.»<sup>۲۲</sup> کسروی هم با وجودی که سعی دارد به طریقی این اقدام را توجیه کند اما نفرتش را نیز چنین بیان می‌دارد که:

خواست بهیچانی این بود که سفیر انگلیس در میان ایشان و شاه میانجی باشد و به او دل داده و از ترس بیرون آورد. این گمان هرگز نمی‌رود که بهیچانی یا طباطبایی به پناهِیدن مردم به سفارتخانه خرسندی داده‌اند...<sup>۲۳</sup> این اندیشه از خامان سرزد، و نخست جز کسان اندکی آن را نمی‌خواستند؛ ولی کم‌کم اندیشه بزرگ گردید و همه به آن آهنگ افتادند و نااندیشیده به کاری برخاستند و کسی چه داند که فریبندگانی در میان نبوده و چنین نخواستند که در این هنگام که در سایه کوششهای بخردانه و مردانه یک سال و نیم دو سید و همدستان ایشان زمینه برای دیگر شدن حکومت ایران و روان گردیدن قانون در آن آماده گردیده بوده و دیر یا زود چنین کاری خواستی انجام گرفت، تنها نام آن دو در میان نباشد؟<sup>۲۴</sup>

۲۱. فهرمان‌میرزا عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود میرزا سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۶، ص ۲-۱۷۶۱.

۲۲. علی ظهیرالدوله، ص ۱۲۰.

۲۳. ولی برطبق منابع مشروطه گویا رضایت داشته‌اند.

۲۴. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۷، ج اول، ص ۱۰۹.





متحصن سفارت انگلیس برای مشروطیت سنه ۱۳۲۲ [ ۱۱-۲۶۳۱ ]

با عنایت به روایات نقل شده دو مطلب روشن می‌شود. اول آنکه نمی‌توان در منابع مشروطه قولی مستند بر ناامنی تهران و تهدید جانی و مالی مردم یافت. موارد ارائه شده هم سست و بی‌پایه‌اند، قتل بن‌آبی بی‌نام و نشان راه، که با تیر غیبی به دلیلی نامعلوم می‌میرد، نمی‌توان دلیل ناامنی تهران دانست. منابع مشروطه نه تنها دلیلی بر ناامنی تهران ارائه نکرده‌اند بلکه مؤید برقراری سکوت و آرامش در شهر نیز هستند. مطلب دوم آنکه با تکیه بر نقل قولهای مذکور می‌توان نتیجه گرفت که پیش از مهاجرت علما، فکر تحصن در سفارت انگلیس میان مشروطه‌خواهان و رهبرانشان وجود داشته است و آنها تنها به دنبال بهانه‌ای برای تحصن بودند و قصد داشتند از اهرم تحصن در سفارت انگلیس استفاده کنند و با استفاده از نفوذ و قدرت کارگزاران سفارت انگلیس بر عین‌الدوله فشار آورند و دولت او را سرنگون سازند...



شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني